

نشست شبهه و پاسخ

غدیر ولایت

سورة الاحقاف

غدیر عید ولایت حضرت امام علی علیه السلام

شبهه ۱- قبل از طرح اشکالات و انحرافات شما شیعیان لازم است مسئله‌ای مهم را متذکر شویم تا بلکه در همین ابتدای بحث اختلافمان حل شده و شما نیز به گروه بزرگ اهل سنت بپیوندید. به این مثال دقت کنید مدیر یک اداره کارکنان زیردستش را جمع می‌کند و خبر مرخصی چند ماهه خود را به آنان می‌دهد؛ در ادامه مدیر آقای (الف) را بعنوان شخصی مناسب برای مدیریت اداره معرفی کرده و با همه وداع می‌کند. کارکنان پس از خروج مدیر شخص پیشنهادی جناب مدیر را بدلائلی نپذیرفته و آقای (ب) را بر میز ریاست می‌نشانند. در این حال همگان آقای (ب) را مدیر می‌شناسند.

شما شیعیان پس از ۱۴ قرن جدالی تاریخی را مطرح کرده و می‌گویید باید آقای (الف) رئیس می‌شد فرضاً که اینطور باشد با نگاهی گذرا به تاریخ اسلام تصدیق می‌کنید آن کاندیدا و شخص لایق رئیس و حاکم نشده است و مردم آقای (ب) را پذیرفته اند. الان هم مسئله تمام شده است و نباید بخاطر خطائی در ۱۴۰۰ سال پیش، امروزمان را خراب کنیم. از این رو شما شیعیان تاریخ را بپذیرید و ادعای تاریخی تان را که می‌گوید حکومت حق ما بود کنار گذاشته و به فکر امروز اسلام باشید و تنها راه حل مشکلات مسلمین آن است که شما نیز تابع اکثریت شده و در زیر پرچم اهل سنت حرکت کنید.

پاسخ ۱- تفاوت عمده تشیع و اهل سنت در بحث تعریف امامت است
اهل سنت امامت را حکومت سیاسی جامعه می‌داند ولو آنکه فاسق باشد
و یا با زور و کودتا حاکم شده باشد.^۱ ولی شیعه امامت را اعم از
حکومت و هدایت معنوی بشر می‌داند به عبارت دیگر، در نظرگاه شیعه
حکومت جزئی از وظائف امام خواهد بود و بخش عمده دیگر هدایت
انسان‌ها به کمال و تعالی است، چه در بیان معارف و احکام اسلامی و
چه در ارشاد حیات معنوی،^۲ شیعه معتقد است: «در هر دوران حجتی از
طرف خداوند وجود دارد»^۳ که انسان‌ها را به سمت و سوی کمالشان
هدایت کند» شیعه خداوند را حکیم و مدبر می‌داند و از این رو با اثبات
برهان لطف^۴ وجود حجت الهی در هر عصر را ثابت می‌کند آری برهان
لطف می‌گوید اگر شخصی باغی عظیم را بنا کرد و تمام لوازمات رشد
را برای درختان آن فراهم نمود محال است باغبانی با تجربه و آگاه را
برای باغ قرار ندهد.

۱ - اللوامع الالهیه، ص ۲۵۸، در آیه شریفه می
فرمایند: لاینال عهدی الظالمین - امامت به
ظالمین نمی‌رسد - گوهر مراد ص ۳۲۹.

۲ - شیعه در اسلام ص ۱۷۵.

۳ - ان من امه الاخلا فیها نذیر. فاطر/ ۲۴ - لکل
قوم هاد. رعد/ ۷.

۴ - غرض حکیم فقط به امور راجح تعلق می‌گیرد
که آن وجود انسان کامل است تا مردم را به کمال
برساند و این رسیدن به کمال ممکن نیست مگر با
وجود امام. پس بر خداوند لطف واجب است تا غرض
والایش یعنی رسیدن مردم به کمال حاصل شود. برای
آنکه ترک راجح از حکیم متعال قبیح بلکه محال
است و علت آن اینست که ترجیح بدون مرجع
بازگشتن به ترجیح بدون مرجح است یعنی معلولی
بنام ارجحیت بدون هیچ علتی بوجود آید که محال
است. بدایه المعارف ص ۲۵.

اگر خداوندا تشنگی داده است در مقابل آب را هم داده و اگر گرسنگی داده است غذا را هم آفریده و اگر انسان را طالب کمال آفریده حتماً لوازمات کمال را که مهمترین آنها حجت الهی و فرستاده پروردگار است نیز قرار داده است. آری حضرت علی (ع) کاندیدای خلافت نبود بلکه امام و حجت الهی بود حال اگر مردم او را به حکومت نیز رساندند که از این نعمت الهی برای رستگاری خود بهره برده‌اند و اگر تبعیت نکرده و حمایتش نکردند او همچنان از طرف خداوند امام باطنی عالم است و حجت بر همگان تمام می‌باشد.

شیعه با این ایده متقن قائل به امامت حضرت ولی عصر مهدی علیه السلام در این دوران است و مسئله امامت را نه بحثی تاریخی بلکه مهمترین بحث روز می‌داند و از نظر شیعه تنها راه حل دنیای اسلام وحدت کلمه در مشترکات و رفتن به آغوش ولایت است.

شبهه ۲- شما شیعیان معتقد الوهیت حضرت علی (ع) هستید و ایشان را در حد خدایی بالا برده‌اید از این رو شما کافر و مرتد از اسلام خواهید بود.

پاسخ ۲- مبانی اعتقادی هر مکتبی را باید از منابع آن مکتب یا کلام علما نشان بدست آورد این بحث یعنی الوهیت حضرت علی (ع) در منابع شیعی و کلام بزرگان تشیع کاملاً مردود است و اگر عده‌ای معتقد به این مقام برای حضرت باشند از نظر شیعه کافر و مرتد خواهند بود از این رو روشن شد که این کلام تنها تهمتی بر شیعه می‌باشد.

شبهه ۳- شما معتقدید در هنگام اعلام نبوت حضرت رسول (ص)، جبرئیل به خطا به جای آنکه وحی را بر علی (ع) نازل کند بر پیامبر نازل کرد از این رو مقام علی (ع) را در حد نبوت بالا برده و بلکه از حضرت رسول افضل می‌دانید.

پاسخ ۳- اولاً ما شیعیان معتقد به عصمت جبرئیل می‌باشیم (بدلیل لطف) لذا همچنین خطایی از او محال است ثانیاً چگونه جبرئیل نتوانست بین پیامبر که ۴۰ سال دارند و علی (ع) که ۶ یا ۷ ساله بوده‌اند تفاوتی قائل شود و خطا کند^۱ (در سن حضرت علی (ع) در زمان بعثت اختلاف است، بین ۶ تا ۱۳ سالگی) ثالثاً ما معتقد به قرآن بوده و صریح قرآن است: «محمد رسول الله»^۲ فتح آیه ۲۹.

شبهه ۴- یکی از اساسی ترین ادله شما شیعیان بر اثبات ولایت حضرت علی (ع) حدیث غدیر است که این حدیث بین ما و شما متواتر و یقینی است و لیکن بنظر می‌رسد شما جماعت شیعه با سوء استفاده از تواتر این حدیث می‌خواهید اموری بیش از دلالت روایت را ثابت کنید در حدیث غدیر نهایت امری که به اثبات می‌رسد محبت و علاقه خاص بین حضرت رسول (ص) و علی (ع) است و نه هیچ چیز دیگر.

پاسخ ۴- در حدیث غدیر که پیامبر می‌فرمایند من کنت مولاه فهذا علی مولاه.

۱ - آنگاه که هدایت شدم ص ۷۷.

۲ - همان.

کلمه مولی محل اختلاف شیعه و سنی شده است و هر کدام مولی را به معنی خاصی گرفته‌اند لازم بذکر است در جایی که یک کلمه چند معنی دارد با تمسک به قرائن می‌تواند به معنی حقیقی و مورد نظر آن کلمه در مکان مذکور پی برد در ماجرای غدیر شیعه قرائت محکمی را برای مدعای خود دارد

۱- در همان ماجرای غدیر آیه‌ای نازل شد^۱ و جای هیچ تأویلی را بر منکرین باقی نگذاشت یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس ان الله لایهدی القوم الکافرین.^۲

پر واضح است تنها ولایتی می‌تواند مطرح نکردنش با رسالت حضرت پیامبر (ص) منافات داشته باشد که بمعنای ولایت امر و سرپرستی است نه دوستی و محبت.

۲- قرینه دوم آیه ۵ سوره مائده الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی که اکمال دین با طرح بحث دوستی و محبت معقول نیست بلکه امر مهمتری یعنی فرض دوم، ولایت امری مد نظر است.

۱ - اعتراف اهل سنت به شأن نزول آیه یا ایها الرسول بلغ ... در واقعه غدیر: در المنشور/ تفسیر غدیر رازی/ عمده القاری در شرح صحیح بخاری و... .

۲ - سوره مائده آیه ۶۷.

۳- در ابتدای حدیث غدیر حضرت مولی را معنی می‌کند و می‌فرمایند
الست اولی بکم من انفسکم آیا من اولی از شما نسبت به شما نیستم
حال هر که من مولای اویم علی مولای اوست.

۴. مگر نه این است که عمر و ابابکر بعد از خطبه غدیر از ناحیه پیامبر
به حضرت علی تبریک گفتند: آیا این به جهت فهم معنای امامت و
خلافت نبوده است؟ و چرا حارث بن نعمان ولایت حضرت را
تحمل نکرد و از خداوند درخواست عذاب کرد؟ آیا به معنای امامت و
سرپرستی حضرت بعد از وفات پیامبر نبوده است؟ (ارشاد القلوب ج ۷،
ص ۲۸۰)

۵. اینکه سیوطی نقل کرده است که پیامبر از ابلاغ این مطلب ترس
داشته اند. (در المثنور، ج ۲، ص ۲۹۸) علتش چه بوده است؟ آیا ابلاغ
اینکه حضرت علی را دوست دارد ترس دارد؟ هرگز بلکه ابلاغ ولایت
و سرپرستی حضرت علی بوده که سبب خوف پیامبر شده زیرا حضرت
می‌دانست که قریش با علی (ع) خصومت دارد.

شبهه ۵. بر فرض که قبول کنیم حدیث غدیر دلالت بر امامت و خلافت
حضرت علی (علیه السلام) دارد، ولی از این حدیث اشاره‌ای نشده
است که حضرت بعد از رسول خدا بلافاصله امام است. لذا ما او را
خلیفه و امام چهارم می‌دانیم نه امام اول؟

۵. پاسخ اولاً شما چه دلیلی بر خلافت خلفای قبل از حضرت علی
دارید.

ثانیاً: با توجه به این حدیث و حدیث ولایت می‌توان فهمید که حضرت علی خلیفه بلافصل پیامبر است. پیامبر به علی (ع) فرمود: «وهو ولی کل مؤمن بعدی.» (مسند احمد، ج ۴، ص ۴۳۸)

زیرا در این حدیث به بعد بودن اشاره شده که از این بعدیت متصل بودن فهمیده می‌شود.

ثالثاً: مفاد حدیث غدیر این است که حضرت علی سرپرست همه مسلمین حتی این سه خلیفه است و این با خلافت بلافصل سازگاری ندارد، رابعاً: اگر مقصود، امامت حضرت علی بعد از سه خلیفه است چرا عمروبن خطاب و ابوبکر به حضرت علی (ع) تبریک گفتند و او را مولای خود و هر مومنی خطاب کردند.

شبهه ۶- شما شیعیان آیاتی از قرآن کریم را بدون توجه به قرائن آیات، مطابق با رأی و عقیده خود تفسیر می‌کنید که توجه به قرائن دلیلی بر رد مدعای شماست بطور مثال در آیه سوم سوره مائده خداوند ابتدا گوشت‌ها حرام نام برده و می‌فرماید امروز که (در سرزمین منی) مجموعه احکام الهی بیان شد و تکمیل گردید کافران از شما ناامید شدند و امروز دین خدا کامل شد و نعمت الهی بر شما تمام گشت و باز در ادامه همین آیه بدون هیچ فاصله می‌فرماید پس اگر ناچار به خوردن آن گوشت‌ها شدید خداوند شما را خواهد بخشید این آیه با قرینه قبل و بعد آن نشان می‌دهد که شأن نزول این آیه مسئله غدیر نمی‌باشد.

پاسخ ۶- اولاً برای هر بحثی باید به منابع موضوع آن بحث مراجعه کرد و نمی‌شود فضایی بحث کنیم، از این به منابع اهل سنت و شیعه مراجعه می‌کنیم و هر چه بعنوان شأن نزول آیه طرح گشت مورد قبول خواهد بود بزرگان اهل سنت به شأن نزول آیه در ماجرای غدیر معترف می‌باشند^۱ ثانیاً: یکی از روش‌های جلوگیری تحریف قرآن که توسط حضرت حق به آن توجه شده است قرار دادن آیاتی از این قبیل (که برای بعضی ایجاد مشکل می‌کند) در غالبی که در همه اذهان مستمعین کلام وحی به دقت ثبت شود و بصورت امری غیر قابل انکار درآید می‌باشد.

شبهه ۷- شیعیان برای اثبات ادعای خود به هر وسیله‌ای متمسک شده‌اند که از جمله آن استناد به آیه شریفه اطیعوا الله واطیعوا الرسول و اولی الامر منکم^۲ می‌باشد پر واضح است اولی الامر منکم یعنی هر کسی که از بین شما حاکم شد و به حاکم خاصی اشاره نشده و اطلاق این عبارت گویا آنست که ما موظفیم تابع حاکمان خود باشیم اگر چه به زور و کودتا حاکم شوند یا ظالمانه حکم برانند.^۳

پاسخ ۷- ادله رد این سخن از شماره بیرون است ولیکن به دو مورد آن اشاراتی می‌کنیم اولاً در احادیث منقول از خود بزرگان اهل سنت آمده

۱ - در المنثور/ تعلیبي در كشف البیان/ تاریخ بغداد نوشته خطیب بغدادی/ مناقب شافعی و ... کرده اند.

۲ - سوره نساء آیه ۵۹.

۳ - اللوامع الالهیه ص ۲۵۸ / گوهر مراد ص ۳۲۹.

است^۱ که از حضرت پیامبر تفسیر اولی الامر پرسیده شده و حضرت امامان دوازده گانه را معرفی نمودند که در بعضی از آنها حتی نام امامان مذکور است ثانیاً اطاعت اولی الامر در آیه شریفه همسنگ اطاعت حضرت رسول قرار گرفته است و حال چگونه ممکن است خداوندی که می‌فرماید لاینال عهدی الظالمین^۲ امر به اطاعت چنین شخصی نماید.^۳

شبهه ۸. شیعه معتقد است که آیه تبلیغ «یا ایها الرسول و بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس» (مائده ۶۷) مربوط به ولایت حضرت علی (ع) می‌باشد. حال آنکه آنچه در شأن نزول این آیه آمده خلاف این مطلب است: خداوند در این آیه به پیامبرش دستور داد تا آنچه را که درباره حکم قصاص و رحم نازل شده اعلان کند. که این کلمه برای مقابله با یهودی بود که می‌خواستند از این حکمی که در تورات آمده بود فرار کنند.^۴ موید این مطلب هم آیات ۴۱ تا ۴۳ همین سوره است که درباره همین مطلب است.

۱ - اثبات الهداه ج ۳ ص ۱۲۳/ینابیح الموده ص ۴۹۴.
۲ - سوره بقره آیه ۱۲۴.
۳ - برگرفته شده از کتاب اصول عقائد حضرت آیت الله مصباح یزدی ج ۲ ص ۱۵۰.
۴ - عمدة القاری، ج ۱۸، ص ۲۰۶؛ تفسیر معالم التنزیل، نجوی، ج ۲، ص ۵۱، مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۴۸.

پاسخ ۸. اولاً این قول با نظرات تمامی صحابه و تابعین آن و علمای اهل تسنن مخالفت دارد (در المنثور، ج ۳، ص ۱۱۷، فتح القدير، ج ۲، ص ۶۰، اکشف والبيان ج ۴، ص ۹۲، شواهد التنزيل، ج ۱، ص ۲۵۵، مفاتيح الغيب ج ۱۲، ص ۵۰، تفسير الكبير، ج ۱۲، ص ۴۹، كنز العمال، ج ۱ ص ۶۰۳ و...)

ثانياً: يهود در زمان نزول اين سوره (اواخر بعثت) تار و مار شده و سر جایشان نشسته بودند و در موقعیتی قرار نداشتند که بتوانند به حضرت زبانی برسانند تا خداوند وعده حفظ به او بدهد.

شبهه ۹- بر فرض آنکه ولایت حضرت علی (ع) را بپذیریم چه دلیلی بر حقانیت شیعه اثنی عشری وجود دارد چه بسا زیدیه - اسماعیلیه - کیسانیه واقفیه - فطحیه و... حق باشند.

پاسخ ۹- اولاً در مباحث گذشته ثابت شد که بنا به برهان لطف باید در هر عصری حجتی از طرف خداوند بر روی زمین باشد که هیچ یک از فرقه‌های غیر اثنی عشری امامتشان منصوب از طرف خداوند نیست و خودشان معترفند هر که حاکم شد امام است ولیکن با تفاوت اوصاف نسبت به اهل سنت مثلاً باید عالم باشد یا فرقه‌ای وصف سیادت را طرح می‌کند^۱ ثانياً: روایاتی که تعداد خلفای پیامبر را ۱۲ نفر معرفی می‌نمایند در حد تواتر است.

۱ - برگرفته شده از کتاب شیعه در اسلام مرحوم علامه طباطبایی.

شبهه ۱۰- شما بدعت هایی در دین وارد می کنید که در زمان حضرت رسول (ص) نبوده است بطور مثال در اذان و اقامه به ولایت حضرت علی (ع) شهادت می دهید که خود این موضوع شاهدی بر خروج شما از دین است.

پاسخ ۱۰- اولاً قرائت این فراز مستحب است نه واجب؛ یعنی جزء اذان و اقامه نیست بلکه به علت تبلیغات شدید تاریخی علیه شیعه بعنوان ذکری مستحب در بین اذان و اقامه قرار داده^۱ شده است نه بعنوان جزئی واجب. ثانیاً بیان ذکری مستحب بدعت و خروج از دین است ولی ورود بسیاری از احکام در دین بدست خلفا بدعت نیست (حرمت متعه در حج و متعه زنان/ ذکر الصلوه خیر من النوم در اذان/ قرار دادن دست روی دست در حال نماز/ آمین پس از قرائت/ جایز بودن سه طلاقه کردن در یک مجلس و...)

شبهه ۱۱- یکی دیگر از بدعت هایی که شما شیعیان گذاشته اید در صلوات فرستادن شماست که در زمان خود پیامبر هم «وآل محمد» جزو صلوات نبوده است. در آیه ۵۶ احزاب نیز به این قسمت اضافی صلوات اشاره ای نکرده است: «ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما»

پاسخ ۱۱. پیامبر خود شیوه صلوات فرستادن را به مسلمانان آموخت. آنگاه که این آیه نازل شده مسلمانان پرسیدند: چگونه درود بفرستیم،

۱ - همان ص ۸۹.

پیامبر فرمود: «لاتصل علی الصلوه البترا» «بر من صلوات ناقص نفرستید» باز پرسیدند: چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمود بگوئید: «اللهم صلی علی محمد وآل محمد كما صلیت علی ابراهیم وآل ابراهیم فی العالمین انک حمید مجید»^۱

شبهه ۱۲. شما که معتقدید مذهب حق هستید پس چرا در اقلیت قرار دارید و اکثر مسلمانان جهان این مذهب را نپذیرفته اند.

پاسخ ۱۲. اولاً شناخت حق و باطل در گرو کمی پیروان یا زیادی آنها نیست چون در این صورت خود اسلام نیز مکتب درستی نیست چون تعداد منکران اسلام ۵ یا ۶ برابر مسلمانان هستند. ثانیاً قرآن غالباً اکثریت را نکوهش کرده و به ستایش از برخی اقلیت‌ها می‌پردازد. مانند «و لا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ»؛ بیش‌ترین آنها را شاکر و سپاس‌گذار نیافتیم» (اعراف ۱۷) «و لَکِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند» (انعام ۳۷) «و لَکِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ؛ ولی اکثر مردم جاهل اند» (انعام ۱۱۱) و «و قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ؛ اندکی از بندگان من سپاسگذارند» (سبأ ۱۳)

شبهه ۱۳. چرا نامی از امامان دوازده گانه شما در قرآن نیامده است تا اختلافات نیز از بین برود. پس حالا که نامی از آنها در قرآن مشاهده

۱ - الصواعق المحرقة باب ۱۱ فصل اول ص ۱۴۶، الدر المنثور ج ۵.

نمی‌کنیم خود میان روشنی بر عدم حجیت و حقانیت ۱۲ امام شما می‌باشد.

پاسخ ۱۳. اولاً شیوه قرآن در معرفی افراد فقط به ذکر نام نیست بلکه گاهی مصلحت به معرفی با عدد، مثل: « وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا ؛ وَ خَدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت و از آنان ۱۲ سر گروه برانگیختیم^۱ و گاهی نیز معرفی به صفت مثل: « الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ ؛ کسانی که از رسول و نبی درس نخوانده‌ای پیروی می‌کنند. »^۲

ثانیاً پذیرفتیم که باید نام افراد ذکر می‌شد، در این صورت باید صدها مساله کلامی و عقیدتی و فقهی و ... در قرآن ذکر می‌شد تا مسلمانان دیگر دچار تفرقه نشوند. ولی قرآن در مورد آنها - به طور صریح و قاطع - سختی نگفته است.

ثالثاً در بسیاری از موارد که نام افراد ذکر شده است اختلافات نیز حل نگشته است مانند: «ان الله قد بعث لكم طالوت ملكا؛ به راستی که خدا طالوت را فرمانروای شما برگزیده است.» با این که نام فرمانروا با صراحت به آنها گفته شد آنان زیر بار نرفتند و به اشکال تراشی پرداختند.

۱ - مائده ۱۲ .

۲ - اعراف ۱۵۷ .

رابعاً چه بسا ذکر اسامی آنان سبب می‌شد تا دوستانداران ریاست و حکومت به نسل کشی بپردازند تا از تولد آن امامان جلوگیری کنند. و اینکه خداوند متعال در قرآن به ما دستور داده‌اند که هر آنچه پیغمبر به ما فرموده‌اند بپذیریم و به آن عمل کنیم.

(وما آتاکم الرسول فخذوه وما نهاکم عنه فانتهوا)

(وما کان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضی الله ورسوله أمراً أن یکون لهم الخیرة من أمرهم)

بنابراین خداوند متعال ما را موظف به اطاعت از پیامبر فرموده‌اند و چنانچه پیامبر ولایت کسی را بر ما قرار داد. طبق قرآن باید بپذیریم و اطاعت از او بر ما واجب است.

- نکته دیگر اینکه در قرآن بسیاری از مسائل دینی مانند نماز، روزه، امامت و ... بصورت کلی مطرح شده و تفصیلات و جزئیات آن به پیامبر اکرم موکول شده است.

شبهه ۱۴. شما شیعیان پا را از حد اعتدال بیشتر برداشته‌اند و حال آنکه امامانتان این قدر افراط نمی‌کردند بنابر شواهد تاریخی امام علی (ع) خلفا را تأیید می‌کرد که این نشان می‌دهد که ایشان خلافت آنها را قبول داشته پس به چه دلیل شما شیعیان خلافت آنان را نمی‌پذیرید؟

تأیید حضرت در دو مقام می‌تواند باشد یکی در به رسمیت شناختن خلافت آنان و دیگری همکاری حضرت با دستگاه خلفا در حل معضلات دینی و مشکلات سیاسی که به طور قطع موضوع امام در مورد اول منفی است زیرا اولاً چگونه حضرت می‌تواند خلافت دیگران را به رسمیت بشناسد در حالی که ایشان در مواضع مختلف (حدیث غدیر و ولایت و ...) به عنوان سرپرست انتخاب شده ثانیاً تاریخ سقیفه و زندگی حضرت حاکی است که آن حضرت با وجود شدیدترین فشارها، دست بیعت به سوی خلفا دراز نکرد (صحیح بخاری، باب غزوه خیبر حدیث ۴۲۴۱)

رباعاً کلمات امام در حالات مختلف حاکی از آن است که او تا آخرین لحظات زندگی، خود را شایسته لیاقت می‌دانست و اینکه حق مسلم او از وی گرفته شد: «به خدا سوگند از روزی که خدا جان پیامبر خویش را گرفت تا امروز همواره حق مسلم من از من سلب شده است» (نهج البلاغه خطبه ۶)

شبهه ۱۵. شما شیعیان اعمالی را انجام می‌دهید که با یگانگی خدا منافات دارد به عنوان نمونه شما ضریح قبر پیامبر اسلام و ائمه خود را می‌بوسید، در و دیوار آنها را بوسیده و به اصطلاح خودتان تبرک می‌جوئید در حالی که آنها جز آهن و چوب نیستند. این عمل ثوابی که ندارد هیچ، بلکه نوعی شرک به خداوند نیز می‌باشد.

پاسخ ۱۵. اولاً این عمل شیعیان از روی علاقه است نه اینکه منظورشان حاجت روا شدن باشد و آنها را مورد پرسش قرار دهند. ثانیاً شیعیان هر چوب و آهنی را نمی‌بوسند بلکه اینها چون در جوار پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) قرار گرفته ارزش پیدا کرده چنانکه قرآن بر این مطلب دلالت دارد و می‌فرماید: «زمانی که پیراهن یوسف را نزد یعقوب آوردند. یعقوب آن پیراهن را به چشمانش که در اثر گریه بر فراق یوسف کور شده بود مالید و چشمش بینا شد» (یوسف ۹۶) هر پیراهنی نمی‌تواند چشم نابینایی چون یعقوب را بینا سازد ولی این پیراهن چون در بدن یوسف بوده اثر شفا بخشی پیدا کرده بود. پس آن سنگ و آهن و چوب چون در جوارقبرائمه مطهر قرار دادند ارزش بوسیدن پیدا کرده اند.

شبهه ۱۶. چطور می‌توان قبول کرد که امامان شما یک هدف را دنبال می‌کردند در حالی که شاهد آن هستیم که آنها شیوه‌های مختلفی را به کار می‌گرفتند: یکی می‌جنگند یکی صلح می‌کند، یکی با دعا و توسل و دیگری با برگزاری کلاس به تربیت می‌پردازد.

پاسخ ۱۶. هدف ائمه همان هدف پیامبر است اما به اقتضای شرایط زمان و مکان هر یک شیوه خاصی را بر می‌گزینند که هر چند که در ظاهر نقش هر یک متفاوت از دیگری است اما هدف همه یکی است مانند دو دست که به هنگام شستشوی لباس هر کدام حرکت متفاوتی دارد و در جهت عکس دیگری حرکت می‌کند اما هدف هر دو، رسیدن به پاکیزگی و تمیزی است، یا لبه‌های قیچی که برخلاف یکدیگر حرکت می‌کنند

ولی هدفشان بریدن است. امام (ع) که از لغزش و اشتباه به دور است، چه بجنگد و چه صلح کند، کارش صحیح و مورد تأیید خدا و پیامبر است. چنانکه پیامبر فرمودند: «حسن و حسین (علیهم السلام) امام و پیشوای مردم هستند، چه بجنگند و چه صلح کنند.»^۱

شبهه ۱۷. اتفاق افتاده که شما شیعیان روز هجدهم ذی الحجه - عید غدیر - را عید می‌گیرید در حالی که پیشینان و نیز اهل بیت و دیگر آن روز را عید نگرفته‌اند و اعیاد شریعتی از شرایع است که در آن باید از دستور متابعت کرد نه آنکه بدعت گذاری شود. این عمل شما شیعیان همانند اعمال نصاری است که حوادث حضرت عیسی را جشن می‌گیرند. (اقتضاء الصراط المستقیم، ص ۲۹۳-۲۹۵)

پاسخ ۱۷. اولاً پیامبر در کلامی فرمودند: «**احبوا اهل بیتی لحبی؛ اهل بیتم را به خاطر من دوست بداریدم**» که یکی از جلوه‌های دوست داشتن برپایی مراسم و جشن در مناسبت‌های محبوب است.

ثانیاً مبدأ این عید بزرگ آن زمانی بود که پیامبر در صحرای غدیر خم حضرت را به امامت از جانب خدا منصوب نمود. و آن روز هر مومنی بدین جهت شاد و مسرور بود. که تبریكات فراوان گواه بر این مطلب است ثالثاً از کتب تاریخ، استفاده می‌شود که امت اسلامی در شرق و غرب، در عید بودن آن متفق‌اند و مصریان و مغربیان و عراقیان به جایگاه آن اعتقاد و اهتمام داشته‌اند و روز غدیر را به عنوان روز

۱ - اصول عقاید قرآنی، ص ۴۰۲.

مشخص برای نماز یا دعا، خطبه و مدیحه سرایی بوده است و نامگذاری این روز به عید متفق بوده است (وفیات الاعیان، ابن خلکان، ج ۱، ص ۶۰ و ج ۲ ص ۲۲۳).

شبهه ۱۸. شما شیعیان برای اولیای الهی خود نذر می‌کنید، مثلاً می‌گویند: این گوسفند نذر امام علی (ع) و یا حسین بن علی (علیه السلام)، در حالی که نذر برای غیر خدا جایز نیست.

پاسخ ۱۸. نذر دو صورت دارد: ۱- نذر برای بندگان برای جلب رضایت و تقرب به آنان (بدون توجه به خشنودی و رضایت خدا) ۲- نذر برای تقرب به خدا و هدیه کردن ثواب آن به یکی از اولیای الهی. بدون شک نوع اول نوعی شرک و بت پرستی محسوب می‌شود، اما نذر با نیت دوم کاری پسندیده و در خور شأن است. شیعیان صورت دوم را انجام می‌دهند چون صیغه نذر صحیح نزد شیعه «لله علی کذا» می‌باشد و اگر هم کسی از روی غفلت و ناآگاهی و یا خلاصه گویی بگوید: هذا للحسین بن علی ما خواهیم گفت لام در اینجا برای انتفاع است نه تقرب؛ یعنی نذر برای خداست اما نفع آن به امام می‌رسد نه اینکه نذر می‌کنم برای تقرب به امام. نمونه آن در قرآن نیز به کار رفته است: «انما الصدقات للفقراء والمساکین» (مائده ۳) همچنین در داستان شخصی که خدمت پیامبر رسید و قصد داشت صدقه‌ای از طرف مادرش بپردازد گفت: هذه لام سعد (فرقان القرآن، ص ۱۳۳)

شبهه ۱۹. درخواست دعا از انسان زنده که قادر بر انجام خواسته اوست، جایز است و پرستش نیست، ولی درخواست دعا و یا هر عمل دیگر از فرد در گذشته که قادر بر انجام آن نیست، نوعی پرستش میت به شمار می‌رود و طبعاً انجام دهنده آن در شمار مشرکان قرار می‌گیرد و حال آنکه شما شیعیان بعد از مرگ امامتان به آنها متوسل می‌شوید.

پاسخ ۱۹. اولاً چگونگی ممکن است درخواست دعا از فرد زنده عین توحید باشد ولی درخواست همان دعا از فرد میت عین شرک باشد در حالی که ماهیت عمل یکی است. بله در مفید بودن می‌تواند موثر باشد اما در توحید و شرک تأثیری ندارد.

ثانیاً اساس استدلال این افراد این گونه است که مرگ انبیاء اولیاء پایان زندگی آنان است در حالی که خداوند به روشنی ثابت می‌کند که اینان پس از مرگ در حال حیاتند (۱۵۴ بقره و ۱۶۹ آل عمران) ثالثاً درخواستی رنگ و بوی شرک به خود می‌گیرد که انسان درباره درخواست شونده نوعی الوهیت و خداوندگاری و تفویض امور قایل شود و حال آنکه این چنین عقیده‌ای از دعا و توسل شیعیان به دست نمی‌آید.

شبهه ۲۰. یکی از مهمترین عقاید شما راجع به امامان دوازده گانه این است که آنها از هر گونه خطا و اشتباه مصون بوده و دارای درجه عصمت هستند. در حالی که غیر از خداوند نمی‌تواند معصوم باشد چون این ویژگی مختص به پروردگار است.

پاسخ ۲۰. بله ما هم قبول داریم که عصمت ذاتی از آن خداوند است همانطور که علم، حیات، قدرت و ... بالذات از آن خداوند می‌باشد. اما آنچه مهم است این می‌باشد که خدا بنا بر مصلحت با گروهی از بندگان شایسته خود که معلمان بشوند را به نیرویی مجهز می‌کند که در عین قدرت بر گناه از آن پرهیز می‌کنند این مطلب در قرآن هم اثبات می‌شود «آیه تطهیر»: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً» (احزاب ۳۳) که سخن خداوند با اهل بیت می‌باشد که اراده قطعی خدا بر این تعلق گرفته که آنان را از هر گونه خطا و پلیدی پاک کند. همچنین با توجه به حدیث گران سنگ ثقلین «انی تارک فیکم الثقلین: کتاب الله وعترتی وانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض (مستدرک حاکم جز سوم ص ۱۴۸ والصواعق المحرقة باب ۱۱، فصل ۱، ص ۱۴۹) این مطلب روشن می‌گردد که بدون شک قرآن از هر گونه خطا و اشتباهی مصون است و اهل بیت هم که قرین آن قرار گرفته اند. از هر لغزش و اشتباه مصون‌اند به عبارت دیگر معنی ندارد که افراد غیر معصوم قرین قرآن شمرده شوند.

شبهه ۲۱. شما شیعیان قایل هستید که امام می‌تواند ما را شفاعت کند در جایی که شفاعت مخصوص خداوند است چنانکه قرآن می‌فرماید: «قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعاً لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (زمر ۴۴) بنابراین درخواست شفاعت از غیر خدا درخواست چیزی است که حق او نیست بلکه حق خداست و چنین درخواستی عبادت و پرستش غیر است و با توحید در عبادت منافات دارد.

پاسخ ۲۱. بله اگر تصور کنیم شفاعت به شافعین واگذار شده و آنان می‌توانند بدون قید و شرط شفاعت نمایند این موجب شرک خواهد بود. اما اگر به این توجه کنیم که به گروهی از بهترین بندگان خدا - بدون اینکه مالک شفاعت شود - در یک چارچوب معین، اجازه شفاعت داده شود که مهم ترین شرط آن اذن و رضایت خداوند است، روشن می‌شود که چنین درخواستی از یک بنده صالح، ملازم با خدا داشتن او نیست بلکه درخواست کاری است از کسی که آن کار در شأن اوست قرآن نیز می‌فرماید: « لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا » (مریم ۸۷) و آیه: « یومئذ لاتنفع الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا ورضی لله قولابا؛ در روز قیامت شفاعت کسی درباره دیگری سود نمی‌بخشد مگر کسی که خدا به او اذن دهد و به گفتار وی راضی شود.»

شبهه ۲۲. دیده شده است که شیعیان خاک را به صورت قطعاتی به نام مهر در آورده و به هنگام نماز بر آن سجده می‌کنند که تعداد زیادی از آنها در میان تمامی خاک کربلا را برگزیده‌اند و آن را همراه با خود به هر جا می‌برند (خانه، مسجد، مسافرت و ...) حال که این عمل مثل اعمال بت پرستان است و این کار نوعی شرک به حساب می‌آید.

پاسخ ۲۲. سجده گاه باید از هر گونه آلودگی پاک باشد و چون در همه شرایط سجده بر زمین پاک امکان پذیر نیست به پیروی از تابع بزرگی

چون «مسروق بن أجرع»^۱ بخشی از خاک را به صورت قطعه درآورده و همراه دارند تا در همه جا سجده بر خاک پاک امکان پذیر باشد درست مانند کسی که مقداری از خاک به همراه خود دارند تا در صورت نیاز تیمم کنند.

و این که چرا خاک کربلا انتخاب شده علتش آن است که نمازگزار هنگام سجده یاد فداکاری‌های بی نظیر بزرگ مرد تاریخ از ماندن رسالت می‌افتد که جان و مال و فرزندان خود را در راه اعتلای اسلام فدا کرده و زیر بار ظلم و ستم نرفته و به ما درس آزادگی و غیرت داده است. پس نمازگزار نه تنها از مسیر توحید خارج نشده بلکه این سجده به او اخلاص می‌بخشد و او را برای فداکاری در راه دین که نماز جزئی از آن است آماده می‌سازد.

شبهه ۲۳. شیعیان برای اعتقادشان به پیروی از اهلیت منبع مورد پذیرش ما (اهل سنت) ندارند؟

پاسخ ۲۳. حدیث ثقلین: انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی حتی یرد علی الحوض من توسل (تمسک) بهما لن تضلوا ابدا و من تخلف عنهما فقد هلک،^۲ در ادامه صحیح مسلم و مسند احمد بن حنبل می‌گوید عترت یعنی آل علی، آل عباس و آل عقیل^۳

۱ - اشاره به این مطلب در مورد یکی دیگر از تابعان (علی بن عبدالله بن عباس) نیز ذکر شده / ر.ک: اخبار مکه، تألیف ارزقی ۱۵۱/۳.
۲ - صحیح مسلم بشرح النوری: ۱۷۹/۱۵.
۳ - مسند احمد بن حنبل: ۱۴/۳، ۱۷، ۲۶، ۵۹.

دو سوال:

۱- ابوحنیفه آل علی است یا امام جعفر صادق (ع)^۱

۲- امام جعفر صادق استاد ابوحنیفه هم بوده است استاد بهتر است یا شاگرد؟

پرسش نامه

۱- حضرت علی (ع) از طرف پیامبر تنها کاندیدای خلافت بود ، پس از فوت پیامبر (ص) مردم خلیفه دیگری برگزیدند و ادعای شیعه در مورد ۱۴۰۰ سال پیش تنها دعوای تاریخی است.

الف- درست است که علی (ع) تنها کاندیدای رهبری بود ، ولی مردم در انتخاب گزینه خلافت خطا کردند....

ب- دعوای شیعه و سنی فقط بر سر خلافت آنروز مدینه نیست که صرفا دعوای تاریخی باشد بلکه ادعای شیعه امامت باطنی

۱ - رک: شهبای پیشاور ص ۲۲۰ ، ۳۰ منبع از اهل سنت ذکر می کند.

منسوب از طرف خداست که آنروز آن حجت الهی، علی(ع)، و امروز حضرت مهدی (عج) است....

ج- هر دو گزینه الف و ب....

د- لازمه اطاعت از حضرت رسول اکرم(ص) آنست که هر کسی را که ایشان به عنوان کاندیدا معرفی کردند تبعیت شود....

۲- آیه غدیر (الیوم اکملت لکم... مائده ۳) در بین آیه ای قرار گرفته است که هیچ ارتباطی به مسئله غدیر و ولایت ندارد. شیعه سعی کرده است اعتقاد خود را به ولایت بر این تحمیل کند.

الف- بعضی آیات قرآن آنقدر عام و کلی است که بسیاری از مطالب را می شود از آن استفاده کرد....

ب- شیعه و سنی در روایاتشان متواترا مصداق این آیه را ماجرای غدیر بیان کرده اند و در هر علمی باید به منابع آن مراجعه کرد....

ج- با توجه به حساسیت های سیاسی این آیه ، قرآن از اسلوبی جالب برای جلوگیری از تحریف استفاده نموده است، با قرار گرفتن این عبارت در وسط آیه علامت سوالی در ذهن ها ایجاد شده و این علامت سوال این عبارت را در بین مردم شناخته شده و معروف نمود و دیگر هیچ کسی نمی توانست آن را حذف کند....

د- ب و ج....

۳- شما شیعیان روز هجدهم ذی الحجه - عید غدیر - را عید می گیرید در حالی که پیشینان و نیز اهل بیت و دیگران آن روز را عید نگرفته اند

الف- یکی از جلوه های دوست داشتن برپایی مراسم و جشن در مناسبت های محبوب است.....

ب- مبدأ این عید بزرگ آن زمانی بود که پیامبر در صحرای غدیر خم حضرت را به امامت از جانب خدا منصوب نمود. و آن روز هر مومنی بدین جهت شاد و مسرور بود.....

ج- از کتب تاریخ، استفاده می‌شود که امت اسلامی در شرق و غرب، در عید بودن آن متفق‌اند.....

د- همه موارد.....

۴- بنابر شواهد تاریخی امام علی (ع) خلفا را تأیید می‌کرد که این نشان می‌دهد که ایشان خلافت آنها را قبول داشته است

الف- چگونه حضرت می‌تواند خلافت دیگران را به رسمیت بشناسد در حالی که ایشان در مواضع مختلف (حدیث غدیر و ولایت و ...) به عنوان سرپرست انتخاب شده.....

ب- تاریخ سقیفه و زندگی حضرت حاکی است که آن حضرت با وجود شدیدترین فشارها، دست بیعت به سوی خلفا دراز نکرد.....

ج- رسمیت شناختن سقیفه از روی تقیه بوده است

د-الف وب

الف	ب	ج	د	
				۱
				۲
				۳
				۴

ما را از انتقادات و پیشنهادات خود محروم نفرمایید شماره
تلفن و دور نویس مرکز پژوهش اردوهای جهادی قم

۰۲۵۱۷۷۲۶۹۵۰